

## ب) خداشناسی در عینیت زندگی

در نگاه توحیدی علی عليه السلام، عالم جلوه خداست و همه موجودات و مخلوقات، جلوه‌گر عظمت و قدرت خداوندند.

الحمد لله التجلي لخالقه بجلاله<sup>۱</sup>

سپاس و ستایش خدای را که به آفرینش مخلوقاتش بر آفریدگان خود نمودار است!

اگر انسان خدا را به درستی باور کند و حضور او را در همه‌جا بپذیرد و گستره نعمت او را ببیند و در مقابل عظمت قدرت الهی سر فرود آورد و به او دل بسپارد، به محکم‌ترین تکیه‌گاه پناه می‌برد و به آرامش حقیقی می‌رسد و هرگز گردن‌کشی و گردن‌فرازی نمی‌کند و در راه درست گام برمی‌دارد. این گونه است که خداشناسی در عینیت زندگی معنا می‌یابد.

و لو فكروا في عظیم القدرة، و جسيم النعمة لرجعوا إلى الطريق<sup>۲</sup>

و اگر در بزرگی قدرت و کلانی نعمت او می‌اندیشیدند، به راه راست باز می‌گشتند.

خداشناسی در عینیت زندگی جلوه‌هایی دارد که بدان‌ها شناخته می‌شود که به مواردی از

آنها اشاره می‌گردد.  
هنا اضطرابنا و رغبتنا في الله عز وجل  
یک. امنیت رومی

هر چه یاد خدا در دل آدمی بیشتر بنشیند و هر چه عظمت حق در جان انسان بیشتر جلوه کند، روح آدمی فربه‌تر می‌شود و انسان از امور دنیایی که مایه اضطراب و تشویش است، آزاد می‌شود و از آنچه موجب حقارت و پستی است، نجات می‌یابد.

عظم الخالق في أنفسهم فصغر ما دونه في أعينهم<sup>۳</sup>

آفریدگار در جان آنان بزرگ بود، پس، هر چه جزاوست، در دیده‌هایشان خرد نمود.

شایسته است که انسان چنین باشد:

إِنَّ مِنْ حَقِّ مَنْ عَظَّمَ جَلَالَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ فِي تَقْسِيمِهِ، وَ جَلَّ مَوْضِعُهُ مِنْ قَلْبِهِ أَنْ يَصْرَفَ عَيْنُهُ لِإِعْظَمِ ذَلِكُ كُلِّ مَا يَوْمَأُ<sup>۱</sup>  
کسی که جلال خدای سبحان در دیده جان او و منزلتش در دل او بزرگ آید، سزااست که به خاطر این بزرگی هر چه جز خداست، نزد او خرد نماید.

انسانی که عظمت خداوند در جانش بنشیند، به چنان امنیت روحی دست می‌یابد که در سختی‌ها و تنگناها، و خوشی‌ها و گشایش‌ها خود را نمی‌بازد و از سبب درست بیرون نمی‌رود. چنان که امام علی علیه السلام آن را این گونه مشخص کرده است:

فِي الْإِزْزَالِ وَ الْقُوَّةِ فِي الْكِبَارِ وَ قُوَّةٌ وَ فِي الرَّعَاءِ شُكْرٌ. لَا يَجْهَلُ عَلَى مَنْ يَبْغِيهِ، وَ لَا يَأْتُمُ فِيمَنْ يَجِبُ<sup>۲</sup>

در پیشامدهای زیر و رو کننده آرام و استوار، و در ناخوشی‌هایی بسی پایدار، و در روزگار آسایش بسی سپاسگوار. بر کسی که دشمن دارد، به بیراهه ستم نرود، و درباره کسی که دوست دارد، به گناه آلوده نشود.

بهر راه  
بهر راه

دو. نفی کردن فراقی و گردن‌کشی

چون آدمی به مقام بندگی خویش رو کند و عظمت حق جانش را لبریز سازد، دیگر جایی برای گردن‌افرازی و گردن‌کشی نمی‌ماند. تجبر و تکبر انسان از آن است که توهم خطایی فرعون می‌کند و سر بر آستان حق نمی‌ساید، ولی چنانچه از این توهم خارج شود، هر چه در مقام بندگی بالاتر رود، از تجبر و تکبر دورتر می‌گردد.

وَ آيَةٌ لَا يَبْغِي لِبَنِّ عَرْفِ عَظَمَةِ اللَّهِ أَنْ يَعْظُمَ، فَإِنَّ رِفْعَةَ الْأَذِينَ يَعْظُمُونَ مَا عَظَّمْتَهُ أَنْ يَبْرَاضَعُوا آدَا، وَ سَلَاةَ الْأَذِينَ يَعْظُمُونَ مَا قَدَّرْتَهُ أَنْ يَسْتَبْلِغُوا آدَا<sup>۳</sup>  
بی‌گمان آن که عظمت خدا را داند، سزاوار نیست خود را بزرگ بخواند. بلندی قدر،

خاف لضعفها  
فهم وجوه كبر  
سأ تفتد كبر  
ه كل از راج  
ع ضعفها هم

آنگاه  
بار خدای  
بار خدای

- ۱. همان، خطبه ۲۱۶.
- ۲. همان، خطبه ۱۹۳.
- ۳. همان، خطبه ۱۳۷.

کسانی که بزرگی پروردگار را می‌دانند، در این است که در برابر او فروتنی کنند، و سلامت آنان که می‌دانند قدرت او تا کجاست، در آن است که به فرمانش گردن نهند.

### سه. توجیه مسئولیت انسانی

احساس حضور در محضر خدا، انسان را نسبت به خود و دیگران، نسبت به روش و رفتارش مسئول می‌سازد؛ مسئولیتی که در هر شرایطی برقرار می‌ماند و تابع عوارض بیرونی نمی‌باشد.

قَدْ عَلِمَ السَّرَّانُ، وَ خَبَرَ الضَّانَّ، لَئِذَا إِحْاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْقَائِلُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْقَوْلُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.<sup>۱</sup>

به رازها دانا و بر درون‌ها بیناست. بر هر چیز احاطه دارد، و چیزی او بر همه چیز است، و بر هر چیز تواناست.

در اندیشه امام علی علیه السلام اعتقاد به خدا و باور به توحید چنان مسئولیت‌آور است که انسان حقوق مردمان را چون حقوق الهی پاس می‌دارد؛ زیرا حقوق انسانی در بنیاد توحید و

مصحف درج شده است

یکتاپرستی پیوند خورده است.

و شَدَّ بِالْإِخْلَاصِ وَالْتَوَحُّدِ حُقُوقَ الْمُسْلِمِينَ فِي مَعَاوِدِهَا.<sup>۲</sup>

و [خداوند] حقوق مسلمانان را با اخلاص و یکتاپرستی پیوند داده است.

### چهار. وارستگی و پرواپیشگی

باور به خدا آدمی را پرواپیشه و حرمت‌نگه‌دار می‌سازد. هر چه این باور عمیق‌تر باشد،

وارستگی انسان از پستی و اودگی، تجاوز و تعدی، و حرکت انسان داخل مرزها و حریم‌های الهی و انسانی در آشکار و نهان بیشتر خواهد بود.

أَتَقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ.<sup>۳</sup>

از نافرمانی خدا در نهان‌ها پرهیزید، زیرا آن‌که بیننده و گواه است، خود

داوری کننده است.

۳

سبوت - گناهان کبیره - ج ۱

و لَا تَهَيِّكُوا أَسْتَارَكُمْ عِبَادَ مَنْ يَعْلَمُ أَسْرَارَكُمْ<sup>۱</sup>

و نزد آن کس که می داند نهان شما را لازم شما بهتر! برده داری نکنید.

فَأَنْتُمْ اللَّهُ الَّذِي أَنْتُمْ بَعِيثُهُ<sup>۲</sup>

پس، پروا کنید از خدایی که بر کارهای شما بیناست!

پنج. عدالت پیشگی و ظلم ستیزی

آن که به خدا ایمان دارد، دست به ستم نمی گشاید و به عدالت اهتمام می ورزد؛ زیرا می داند

خداوند، عدالت پیشگان را دوست دارد و از ظلم و ظالمان بیزار است. هیچ چیز چون ستم و

ستمگری موجب دگرگونی نعمت و شتاب در کفر نمی شود.

أَنْصِفِ اللَّهُ وَ أَنْصِفِ النَّاسَ مِنْ تَفْسِكِ وَ مِنْ خَاصَّةِ أَهْلِكَ وَ مَنْ لَكَ فِيهِ هَوًى

مِنْ رَعِيَّتِكَ، فَإِنَّكَ إِلَّا تَفْعَلْ تَظْلِمُ، وَ مَنْ ظَلَمَ عِبَادَ اللَّهِ كَانَ اللَّهُ خَصْمَهُ دُونَ

عِبَادِهِ، وَ مَنْ خَاصَّمَهُ اللَّهُ أَذْخَصَ حُجَّتَهُ، وَ كَانَ لِلَّهِ حَرْبًا حَتَّى يَبْرَحَ وَ يَتُوبَ.<sup>۳</sup>

از جانب خودت و خاندان و پیروانت، و از جانب هر کس از شهروندان که به او گرایش

و وابستگی داری، داد خدا و مردم را بده، زیرا اگر چنین نکنی ستم کرده ای، و

هر که به بندگان خدا ستم کند، خداوند به جای بندگانش به دادستانی از او

برخیزد، و دلیل او را ادر دادگاه دادگری باطل و نابود سازد، و او با خدا پیوسته در

جنگ باشد تا آنکه دست بکشد و توبه آرد و اجران نماید.

وَأَنْتُمْ شَيْءٌ آدَعَى إِلَى تَغْيِيرِ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ تَعَجِيلِ يُقْمَتِهِ مِنْ إِقَامَةِ عَلِيٍّ ظَلَمَ.<sup>۴</sup>

و هیچ چیز چون بنیاد ستم نهادن، نعمت خدا را دگرگون ندارد، و کفر او را نزدیک نیارد.

شش. استقامت و پایداری

انس به حق، غربت آدمی را می زاید، وحشت او را از هر جهت زایل می سازد، و وی را به

قوت حق قوی و بالاستقامت و پایداری کند. هیچ چیز مانند یاد حق و تکیه به خدا در سختی ها

و مشکلات، انسان را استوار و راسخ نمی‌سازد و توانایی نمی‌بخشد.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَسُّ الْأَيْسِينَ لِوَالِدَيْكَ، وَأَحْضَرُهُمْ بِالْكَفَايَةِ لِلْمُتَوَكِّلِينَ عَلَيْكَ.<sup>۱</sup>  
خدایا! تو از همه همدمان، با دوستانات بیشتر همدمی و برای کسانی که کار خود را به تو واگذارده‌اند، از هر کس کاردارن‌تری.

إِنَّ أَوْحَشَتَهُمُ الْعَرَبَةَ أَنَسَهُمْ ذِكْرُكَ، وَإِنْ صُبَّتْ عَلَيْهِمُ الْمَصَائِبُ كَبَأُوا إِلَيْكَ  
الإِسْتِجَارَةَ بَكَ، عَلِمًا أَنَّ أَرْمَةَ الْأُمُورِ يَدُكَ، وَمَصَادِرُهَا عَنْ قَضَائِكَ.<sup>۲</sup>

اگر غریبتشان به وحشت اندازه، یاد تو آنان را آرام سازد؛ و اگر مصیبت‌ها بر آنان فرو بارد، به تو پناه آرند و رو به درگاه تو دارند، چه می‌دانند سررشته کارها به دست توست، و سرچشمه کارها از قانونمندی حاکم بر هستی برپا شده از جانب توست.

### هفت. آزادی و آزادی‌گرایی

ایمان به خدا ضامن آزادی آدمی از غیر خداست. تا زمانی که انسان به حقیقت هستی روی نکند و دل به خدا نبندد، در بندگی غیر خدا به سر می‌برد و طعم آزادی حقیقی را نمی‌چشد. انسان، آزاد از غیر خدا آفریده شده و شایسته نیست جز در برابر خدا سر خم کند و گوهر آزادی و آزادی خود را ارزان بفروشد: تلاش پیام‌آوران الهی این بوده است که آدمی را از دام بت‌ها و هر معبودی جز خدا نجات دهند و به بندگی حق، یعنی آزادی مطلق برسانند.

فَبِعَمَلِ اللَّهِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالْحَقِّ يُخْرِجُ عِبَادَةَ مِنَ عِبَادَةِ الْأَوْثَانِ  
إِلَى عِبَادَتِهِ، وَمِنْ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ إِلَى طَاعَتِهِ.<sup>۳</sup>

پس خدا، محمد ﷺ را به حق برانگیخت، تا بندگانش را از پرستش بتان بیرون آرد و به عبادت او درآورد، و از پیروی شیطان برهاند، و به اطاعت خدا راه نماید. وَلَا تَكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا.<sup>۴</sup>  
بنده دیگری مباش که خداوند تو را آزاد آفریده است.